

بررسی تطبیقی تاثیر بازدارنده های دینی و غیر دینی بر وقوع جرائم اقتصادی: مقایسه زندانیان زندان اوین و همتایان غیر مجرم آنان

محمود شهابی^۱

چکیده:

هر چند فساد اداری و جرایم اقتصادی در بسیاری از کشورها رخ می دهند اما در سال های اخیر این روند در ایران تشدید شده است. در مقاله حاضر نتایج یک پیمایش مقطعی با هدف بررسی همبسته های مختلف جرایم یقه سفیدها هم در بخش دولتی و هم در بخش خصوصی ارائه شده است. چارچوب نظری این مقاله از تلفیق چند نظریه رقیب یا بدیل شکل گرفته است. این نظریه ها عبارتند از: نظریه ترس از آتش دوزخ از هیرشی و استارک، نظریه همبسته های شخصیتی جرایم یقه سفیدها از کالینز و اشمیت، نظریه جامعه شناختی فساد از جیمز ویلیام کلمن و بالاخره نظریه اقتصادی جرایم یقه سفیدها یا نظریه انتخاب عقلانی از کورنیش و کلارک. به منظور آزمون فرضیات مستخرج از این نظریه ها، یک نمونه معرف

۱. دانشیار جامعه شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی
آدرس الکترونیکی: mshahabi88@gmail.com

۱۲۰ نفری از زندانیان جرایم اقتصادی محبوس در زندان اوین انتخاب شدند و با توجه به ماهیت تحقیق که از نوع علی-مقایسه ای یا نیمه آزمایشگاهی بود یک گروه ۱۲۰ نفری دیگر از فعالان اقتصادی و کارکنان دولت نیز به عنوان گروه همتا به پرسشنامه های تحقیق پاسخ دادند. پرسشنامه های مربوط به هر دو گروه مجرم و غیر مجرم در اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۱ اجرا شدند. نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون لجستیک ۷۵ درصد از واریانس بین دو گروه مجرم و غیرمجرم را تبیین کرد. بر اساس این تجزیه و تحلیل، مجرمان اقتصادی مورد مطالعه علیرغم برخورداری از درجه بالایی از دینداری و سابقه جامعه پذیری دینی دست به ارتکاب جرم زده اند. به عبارت دیگر بین این دو گروه از نظر سطح جامعه پذیری دینی و درجه دینداری تفاوت معنی داری مشاهده نشد. بعلاوه مجرمان اقتصادی مورد بحث در تحلیل هزینه- فایده جرم در لحظه ارتکاب آن، احتمال کشف جرم و قطعیت و شدت مجازات را بسیار کمتر (در مقایسه با گروه غیر مجرم) برآورد کرده بودند و بالاخره اینکه درک آنان در لحظه ارتکاب جرم این بوده است که فرصت ارتکاب جرم در محل کار مهیا است و باید آن را مغتنم شمرد. بر اساس نتایج تحلیل رگرسیونی، وجود فرصت ارتکاب جرم اقتصادی در محل کار و دست کم گرفتن احتمال کشف جرم و قطعیت و شدت مجازات مهمترین عوامل موثر یا پیش بینی کننده ارتکاب جرایم اقتصادی محسوب می شوند. در مجموع رویکردهای جامعه شناختی و اقتصادی (که بر بازدارنده های بیرونی یا محیطی تاکید می کنند) می توانند تفاوت بین دو گروه مجرم و غیرمجرم را تبیین کنند.

واژگان کلیدی: جرایم اقتصادی، عوامل جامعه پذیری دینی، ادراک از فرصت

ارتکاب جرم، ادراک از احتمال کشف جرم.

مقدمه

در خصوص پیشگیری یا بازدارندگی از جرایم اقتصادی دو دیدگاه کلی وجود دارد. یکی بر ترس از مجازات الهی یا اخروی (که خود محصول عملکرد عوامل جامعه پذیری دینی در تقویت درجه دینداری است) به عنوان عامل بازدارنده درونی و پیشگیری کننده از جرم تاکید می کند و دیگری بر ترس از مجازات قانونی یا دنیوی و از بین بردن فرصت ارتکاب جرم به عنوان عامل بازدارنده بیرونی یا محیطی تاکید می کند. مطابق با دیدگاه اول برخی از جامعه شناسان بر اساس مدل ساختی- کارکردی، نقشی مهم برای دین قائل شده بر کارکردهای دین برای حفظ الگو و یکپارچگی اجتماعی تأکید کرده و آن را منبع شکل گیری ارزشهای مرکزی یک جامعه که وفاق اجتماعی مرهون آن است دانسته اند. مطابق با این دیدگاه دین هم برای فرد و هم برای جامعه کارکردهایی را ایفا می کند. برای فرد، دین به سؤالاتی در خصوص ماهیت و هدف از خلقت انسان و جهان پاسخ می دهد. نیازهای عاطفی انسان (نیاز به حمایت و اطمینان در زمان بحران و بروز مشکل) را تأمین می کند، کدها یا اصول اخلاقی خاصی را برای هدایت رفتار در اختیار فرد قرار می دهد، حس تعلق به اجتماع را در فرد ایجاد می کند. برای جامعه نیز دین کارکردهای مهمی را ایفا می کند. برخی از این کارکردها عبارتند از ایجاد حس تعلق و همبستگی اجتماعی در یک گروه اجتماعی، کنترل اجتماعی رفتارهای ضد اجتماعی از طریق ایجاد ترس از «گناه» و تقویت

اخلاقیات و هنجارهای جامعه از طریق وعده مجازات‌های اخروی.

«شرکت و الیسون» نتایج و آثار اجتماعی دین را در چهار مقوله دسته‌بندی کرده‌اند: اثر دینداری بر باورها و تعهدات سیاسی، روابط خانوادگی، بهداشت و سلامت، سرمایه اجتماعی. این دو محقق تاثیر دین در بازدارندگی افراد از ارتکاب جرم و انحراف را در ذیل مقوله چهارم (سرمایه اجتماعی) مورد توجه قرار داده‌اند. تحقیقات انجام شده در خارج از کشور حاکی از آن است که قدرت بازدارندگی دین به پنج دلیل برمی‌گردد. اول به دلیل درونی شدن هنجارها و پیام‌های اخلاقی، دوم به دلیل ترس افراد از عقوبت الهی (همان اثر ترس از آتش دوزخ)، سوم به دلیل تهدید مجازات‌های اجتماعی از سوی هم‌دینان، چهارم میل به تایید از سوی گروه‌های مرجع در درون اجتماعات دینی، و پنجم قرار نگرفتن فرد در معرض دلمشغولی‌های منحرفانه (یا نداشتن وقت برای چنین دلمشغولی‌هایی) به دلیل سرگرم بودن افراد در فعالیت‌ها و شبکه‌های دینی (Sherkat and Ellison, ۱۹۹۹: ۳۶۹). بنابراین در تحقیق حاضر منظور از بازدارنده‌های درونی یا دینی، اثرات دینداری و عملکرد دینی نهادهای مسئول جامعه‌پذیری دینی بر پیشگیری یا بازدارندگی از جرایم اقتصادی است. از طرف دیگر دین و دینداری در برخی از نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناختی چندان جدی گرفته نشده است و تجربه مدرنیته در دنیای غرب باعث شده که عده‌ای از جامعه‌شناسان از کاهش اقتدار نهادهای دینی یا کاهش کارکرد دین تحت تأثیر فرایند نوسازی خبر دهند. در مورد جامعه ایرانی نیز علیرغم تلاش همه دستگاه‌های متولی ترویج دینداری و تبلیغات دینی، نگرانی‌ها و نارضایتی‌هایی در خصوص وضعیت دینداری مردم از سوی مسئولان و مدیران فرهنگی کشور ابراز شده است. به زعم عده‌ای از مدیران فرهنگی کشور در حال حاضر بین اهداف برنامه‌های دینی اجرا شده در سه دهه اخیر و "نتایج" آنها در جامعه فاصله زیادی وجود دارد. آنان معتقدند که "نتایج تربیت دینی" باید "در سطح جامعه" و به شکل کاهش میزان شیوع و بروز ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در جامعه بروز و ظهور پیدا کند. این دغدغه‌ها در سالهای اخیر دو چندان شده است چرا که ادعا می‌شود که بین دینداری و درجه ارتکاب جرم همبستگی معنی‌داری (همبستگی منفی یا معکوس) مشاهده نمی‌شود. به عبارت دیگر گفته می‌شود بین اهداف تبلیغات

دینی و نتایج مورد انتظار از آن در جامعه فاصله زیادی دیده می شود بطوری که اثرگذاری تبلیغات دینی بر کاهش جرم و انحراف مورد تردید واقع شده است. بر همین اساس عده ای از صاحب نظران برای پیشگیری یا بازدارندگی از جرایم اقتصادی بر بازدارنده های بیرونی یا محیطی تاکید می کنند. این دسته از صاحب نظران بر این باورند که برای مبارزه با فساد یا جرایم اقتصادی باید ساختارها و قواعد رفتار اقتصادی اصلاح شود تا فرصت ارتکاب جرم به حداقل برسد و نظام قضایی در جامعه به گونه ای عمل کند که تلقی و ادراک کنشگران از احتمال کشف جرم، قطعیت مجازات و شدت مجازات را تحت تاثیر قرار دهد به نحوی که در تحلیل هزینه - فایده جرم از سوی کنشگران، هزینه های برآورد شده بیش از فواید برآورد شده از ارتکاب جرم ادراک شده باشند.

تحقیق حاضر با هدف ارزشیابی اثربخشی بازدارنده های درونی و بیرونی در پیشگیری از جرایم اقتصادی اجرا شده است.

مرور سوابق تجربی، تدوین چارچوب نظری و فرضیات تحقیق

در تحقیق حاضر فرآیند جامعه پذیری رسمی و غیر رسمی و درجه دینداری افراد از لحاظ قدرت بازدارندگی از جرم در کنار سایر بازدارنده ها (قدرت بازدارندگی متغیرهای مستخرج از نظریه های رقیب) در یک چارچوب واحد مورد بررسی واقع شده اند. در این چارچوب، بازدارنده های درونی با الهام از فرضیه معروف "ترس از آتش جهنم" که اولین بار توسط هیرشی و استارک مطرح شد آزمون شده اند. بر طبق این فرضیه افرادی که معتقد به وجود شیطان و حیات پس از مرگ هستند به خاطر ترس از مجازات های اخروی کمتر احتمال دارد که مرتکب رفتار منحرفانه ای شوند (Hirschi & Stark, ۲۰۲: ۱۹۶۹-۲۰۳). "هریس" (۲۰۰۳) در مقاله ای استدلال کرد که اگر ترس از مجازات های اخروی پس از مرگ می تواند فرد را از رفتار منحرفانه باز دارد پس ترس از عقوبت و مجازات الهی در طول حیات نیز می تواند فرد را از ارتکاب جرم و انحراف بازدارد. هریس "فرضیه عقوبت الهی این جهانی" را با تجزیه و تحلیل داده های پیمایش پرسشنامه ای بر روی ۱۳۹۳ نوجوان عضو کلیسایی در امریکا آزمون کرد و به این نتیجه رسید که کسانی که معتقدند به وجود یک خدای قدرتمند

و علیم که افراد را به خاطر عدم درستکاری شان در این جهان مجازات می‌کند کمتر قصد ارتکاب جرم در آینده را دارند. بنابراین فرضیه "ترس از عقوبت الهی این جهانی" تأیید شد (Harris, ۲۰۰۳).

"همادون" یکی از محققان بلژیکی در مقاله‌ای پژوهشی با عنوان "ترس از خدا یا از انسان: تاثیر دین بر نگرش نسبت به تقلب و استفاده رایگان از وسایل حمل و نقل عمومی" ضمن تأیید تجربی نظریه عواطف اخلاقی آدام اسمیت به این نتیجه رسیده است که دین از طریق مولفه باور به وجود خدا بر نگرش نسبت به تقلب و استفاده رایگان از وسایل حمل و نقل عمومی تاثیر می‌گذارد. اما چنین تاثیری در کشورهایی مشاهده شده است که تصورشان از خداوند یک موجود فعال، مجازات‌گر، و قضاوت‌کننده بوده است و نه یک موجود انتزاعی و دست‌نیافتنی. بنابراین همچون تحقیقات قبلی، در تحقیق فوق معلوم شده است که ترس از یک خدای خیر و جزا دهنده، بر ادراک افراد از هزینه و فایده مترتب بر رفتارهای غیراخلاقی موثر است. البته بین افراد مذهبی و غیرمذهبی از نظر اخلاقی تفاوتی مشاهده نشده است هر دو در نگرش شان نسبت به فعالیت‌های متقلبانه تحت تاثیر برآورد هزینه و فایده بوده‌اند. افرادی که از مجازات می‌ترسند یا به هر دلیلی هزینه زیادی برای رفتارهای خاصی قائلند بسیار محتمل است که از آن رفتارهای متقلبانه فاصله بگیرند. (H'madoun, ۲۰۱۱).

مطالعات انجام شده در خصوص تاثیر بازدارنده‌های بیرونی در پیشگیری از جرم بطور عام و جرم اقتصادی یا فساد بطور خاص عمدتاً بر اساس سه نظریه روانشناختی، جامعه‌شناختی و اقتصادی (نظریه انتخاب عقلانی) صورت گرفته‌اند. این سه نظریه در تحقیق حاضر در مقایسه با نظریه ترس از آتش دوزخ نظریه‌های رقیب محسوب می‌شوند.

تحقیق کالینز و اشمیت بر روی جرایم یقه سفیدها در آمریکا اولین پژوهش روانشناختی در خصوص تاثیر شخصیت بر روی جرایم یقه سفیدها محسوب می‌شود. آنان در تحقیق خود بر روی دو نمونه مجرمان یقه سفید و هم‌تایان غیر مجرم شان به این نتیجه رسیدند که مجرمان یقه سفید در مقایسه با هم‌تایان غیر مجرم خود افرادی مسئولیت‌ناپذیر، بی‌اعتنا به قواعد و مقررات، ریسک‌پذیر و غیرقابل اعتماد هستند (Collins and Schmidt, ۱۹۹۳).

چهار محقق آلمانی نیز با الهام از تحقیق کالینز و اشمیت، در پژوهشی تحت عنوان

همبسته های شخصیتی جرایم یقه سفیدها و با اجرای یک تحقیق علی-مقایسه ای بر روی ۷۶ زندانی جرایم یقه سفید (۷۰ مرد و ۶ زن) و ۱۵۰ نفر از همتایان غیرمجرم آنان (۹۴ مرد و ۵۶ زن) به این نتیجه رسیدند که جرایم یقه سفیدها در میان مدیران تجاری آلمان عمدتاً در میان مردان، و کسانی که بر رفتار خود کنترل ندارند و درجه بالایی از خودشیفتگی و لذت گرایی را تجربه می کنند رخ می دهند (Blickle et al. ۲۰۰۶).

جیمز ویلیام کلمن یکی از نظریه پردازان مطرح در حوزه جرایم اقتصادی با تلفیق چند نظریه مختلف، یک مدل تبیینی واحد ارائه کرده است که مهمترین نظریه جامعه شناختی جرایم یقه سفیدها محسوب می شود. وی معتقد است جرایم اقتصادی را با توجه به سه عامل می توان تبیین کرد: اول انگیزه ها، دوم دلیل تراشی برای ارتکاب جرم یا ادراک فرد از درجه ریخته شدن قبح ۱ جرایم اقتصادی، و سوم فرصت ارتکاب جرایم اقتصادی.

در بحث از انگیزه ها، کلمن متخلفان اقتصادی را از نظر نوع انگیزه در دو گروه مقوله بندی کرده است. گروه اول متخلفانی هستند که در پاسخ و در واکنش به یک بحران دست به تخلف اقتصادی می زنند. این بحران ها از هر نوعی می توانند باشند اما وجه مشترک آنها این است که متخلف در چنین مواقعی از موقعیت و اعتماد دیگران به خود سوء استفاده می کند. چنین فردی به این دلیل مرتکب جرم اقتصادی می شود تا با خطراتی که وی، اعضای خانواده و یا شرکت بازرگانی وی را تهدید می کنند مقابله کند. کسانی که بحران های فوق الذکر را تجربه می کنند معمولاً کسانی هستند که بدلیل فشارهای ناشی از رقابت در بازار اقتصاد بر سر یک دوراهی قرار می گیرند: آیا به قانون احترام بگذارند حتی اگر به قیمت حذف آنان از گردونه رقابت اقتصادی منجر شود یا اینکه مرتکب جرم شوند و ریسک دستگیری و محکومیت را به جان بخرند. گروه دوم متخلفانی هستند که در یک وضعیت بحرانی دست به ارتکاب جرم اقتصادی نزده اند بلکه از روی قصد و رضا از فرصت هایی که وقوع جرم را ممکن می سازند استفاده می کنند. این دسته از افراد اگر چنین فرصتی پیدا نمی کردند هرگز مرتکب جرم نمی شدند. این دسته از افراد گاه ممکن است از سوی دیگران برای ارتکاب جرم گماشته شوند (از سر توطئه و دسیسه چینی).

به زعم کلמן نکته شگفت‌انگیز در این میان این است که افراد موفق مرتکب جرائم اقتصادی می‌شوند. دلیل این امر از نظر کلמן ویژگی‌های شخصیتی این افراد است: آمادگی برای خطر کردن و حرص و آز و طمع و جاه‌طلبی و بلندپروازی برای کسب منافع بیشتر. عده‌ای از مجرمان اقتصادی نیز نگران آن هستند که از نردبان تحرک طبقاتی تنزل کنند و منزلت سابق خود را از دست بدهند. اسطوره موفقیت غالب در یک جامعه که مصداق آن سربلند بیرون آمدن از رقابت اقتصادی است تقویت‌کننده ارزش‌هایی است که مروج جرایم اقتصادی است. ترس از شکست و ورشکستگی به این معنی است که جرایم اقتصادی در زمان رکود اقتصادی بیش از زمان رونق رخ می‌دهند.

در بحث از قبح‌زدایی از جرم یا دلیل تراشی برای ارتکاب آن، کلמן معتقد است در لایه‌های زیرین انگیزه‌های ارتکاب جرم فضای هنجاری‌ای وجود دارد که بر نگرش مرتکبین این جرایم اثر می‌گذارد. خانواده و مدرسه نقش مهمی در شکل‌گیری این هنجارها ایفا می‌کنند. نحوه سازمان‌دهی زندگی کاری یا تجاری نیز بر شکل‌گیری اخلاقیات در سطح جامعه و انگیزش برای ارتکاب جرایم اقتصادی اثرگذار هستند.

این فضای هنجاری نیز به نوبه خود تحت تأثیر تحولات اجتماعی است. هنگامی که نظام‌های حافظ هنجارهای اجتماعی متحول می‌شوند و یا از بین می‌روند جرم افزایش می‌یابد. به همین دلیل فرار از مالیات در کشورهای غربی بسته به بی‌ثباتی اجتماعی ناشی از تحولات سریع رخ می‌دهند و نه به خاطر رقم بالای مالیات.

در اینجا کلמן از نظریه ساترلند (۱۹۴۹) نیز مدد می‌گیرد. به زعم ساترلند جرم‌شناس سرشناس آمریکایی که مفهوم جرم یقه سفیدها نخستین بار از سوی او تعریف شد رفتار مجرمانه رفتاری فراگرفتنی است. چنین رفتاری در محیط‌هایی رخ می‌دهد که انجام آن بیش از احترام و عمل به قانون، مفید پنداشته می‌شود. افراد رفتار مجرمانه را یاد می‌گیرند و در قالب رفتارهای مجرمانه‌ای که ویژه یک محیط خاص است جامعه‌پذیر می‌شوند. چنین محیطی معمولاً از محیط‌های دیگری که در آنجا چنین رفتارهایی نادرست تلقی می‌شوند جدا هستند. محیط‌های جرم‌خیز ممکن است شامل دسته‌های تبهکار جوانان یا سازمان‌های جا افتاده‌ای مثل شرکت‌ها یا ادارات یک شرکت شود. در این شرکت‌ها افراد نه

تنها تکنیک های لازم برای قانون شکنی را می آموزند بلکه انگیزه های انجام آن را نیز به دست می آورند. سازمانها و هنجارهایی که در آن سازمان ها شکل می گیرند عامل تبیین کننده مهمی در رابطه با جرایم اقتصادی محسوب می شوند. حتی اگر برخی از افراد آن سازمان را ترک کنند و عده دیگری جایگزین شوند همان فعالیت مجرمانه ممکن است تداوم یابد (Sutherland, ۱۹۴۹).

قادر بودن مجرم به دلیل تراشی برای رفتار مجرمانه خود نقش مهمی در ایجاد انگیزه در وی برای ارتکاب جرم ایفا می کند. متخلفان اقتصادی معمولاً در پذیرش ارزش های اجتماعی غالب در یک جامعه با دیگران مشترک هستند. آنها احتیاج دارند که تخلفات خود را با آن انگیزه ها به نحوی تعریف کنند که در باطن خود با پنداشت شان از خود بعنوان شهروندان وفادار به قانون مشکلی پیدا نکنند. مسأله فقط قادر بودن مجرم به مجوز تراشی برای تخلف خود پس از ارتکاب جرم نیست بلکه قبح زدایی از این رفتار قبل از ارتکاب تخلف و جرم نیز هست.

ذکر نمونه هایی از قبح زدایی از ارتکاب جرم در اینجا لازم است: این تصور که "همه دارند همین کار را می کنند" یا "کار من که به کسی ضرری نمی رساند". قبح زدایی یعنی اینکه فرد ممکن است دلایل خوبی برای ارتکاب جرم برای خود داشته باشد، مثلاً نجات یک شرکت تجاری و زندگی کارکنان آن و یا موجه جلوه دادن یک جرم با اشاره به نیازهای اعضای خانواده. نمونه دیگری از قبح زدایی زمانی است که مردم عادی مشاهده کنند پاداش های آنچنانی به برخی مدیران بخش دولتی پرداخت می شود در این صورت آنها ممکن است از تقلب در پرداخت مالیات خود چندان احساس گناه نکنند و خود را محق بدانند.

در جوامع امروز که اشباع رسانه ای را تجربه می کنند خواه ناخواه قبح زدایی از جرایم اقتصادی نیز به وفور دیده می شود. انتشار اخبار رسوایی های اقتصادی یا مالی در بخش دولتی و خصوصی در قالب اختلاس، ارتشاء، فساد بانکی و نظایر اینها به فرایند قبح زدایی از چنین رفتارهای مجرمانه ای دامن می زند.

در بحث از فرصت ارتکاب جرم نیز کلمن معتقد است برای آنکه جرمی به وقوع بپیوندد

یک وضعیت یا فرصت لازم است. وضعیت‌ها و فرصت‌هایی از این نوع به نحوه سازمان دهی زندگی کاری و تجاری مربوط می‌شود. عملکرد نظام‌های نظارتی هم نقش مهمی در پدید آمدن یا نیامدن این فرصت‌ها ایفا می‌کنند. مثلاً در جوامع غربی پدیده فرار از مالیات را می‌توان با سطح فرصت‌های موجود برای طفره رفتن از پرداخت مالیات تبیین کرد. وقتی چنین فرصت‌هایی به خاطر اعمال تدابیر لازم کاهش یابد میزان فرار از مالیات هم کاهش می‌یابد. کلمن با توجه به وجود فرهنگ رقابتی در جامعه مدرن استدلال می‌کند که روند جرم در حوزه تخلفات و جرایم اقتصادی عمدتاً نتیجه پیدایش فرصت‌های جذاب برای ارتکاب جرم است تا تفاوت بین افراد در سطح انگیزش (Coleman, ۲۰۰۱).

و بالاخره باید از نظریه اقتصادی جرایم یقه سفیدها (Becker, ۱۹۶۸) یا نظریه انتخاب عقلانی یا نظریه پیشگیری وضعیتی (Cornish and Clark, ۱۹۸۷, and Clark, ۱۹۸۰) یاد کرد که فرضیه مربوط به ادراک فرد از احتمال کشف جرم و قطعیت و شدت مجازات در تحقیق حاضر از آن استخراج شده است. بر طبق این نظریه افراد بر اساس تحلیل هزینه - فایده ی ارتکاب جرم تصمیم می‌گیرند که مرتکب جرم شوند و یا نشوند. اگر فایده یا نفع ادراک شده مترتب بر ارتکاب جرم بیش از هزینه‌های آن باشد (بر اساس احتمالی که فرد می‌دهد) در این صورت وی تصمیم می‌گیرد که مرتکب جرم شود. مجرمین معمولاً مزایا و منافع مترتب بر رفتار مجرمانه و احتمال دستیابی به آنها را بیش از حد واقعی برآورد می‌کنند و هزینه‌های ناشی از ارتکاب جرم و احتمال تحمل ضرر و زیان را کم برآورد می‌کنند. بدین ترتیب برای آزمون فرضیه بازدارندگی کیفیت جامعه پذیری دینی (میزان قرار گرفتن در معرض پیام‌های دینی عوامل مختلف جامعه پذیری دینی) و میزان دینداری فردی و تعیین سهم و ارزش بازدارندگی آن دو متغیر در مقایسه با سایر عوامل بازدارنده، تلفیقی از مدل‌های پیشگیری درونی و بیرونی به عنوان نظریه‌های رقیب در تبیین متغیر وابسته یعنی ارتکاب یا عدم ارتکاب جرایم اقتصادی مورد استفاده واقع شده‌اند. در این مقاله معلوم خواهد شد که آیا قرار گرفتن در معرض پیام‌های دینی عوامل مختلف جامعه پذیری دینی و همچنین درجه دینداری قدرت بازدارندگی از ارتکاب جرایم اقتصادی را دارند یا خیر. به عبارت دیگر در این مقاله مشخص خواهد شد که رابطه بین دو متغیر مستقل (عوامل مختلف

جامعه پذیری دینی و درجه دینداری) و متغیر وابسته (ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم) پس از افزودن کنترل های سکولار (مثلا ادراک فرد از احتمال کشف جرم و شدت مجازات، درجه لذت جویی، درجه خودشیفتگی، درجه کنترل نفس، ادراک فرد از وجود فرصت ارتکاب جرم در محیط کار، میزان ترس از سرافکندگی نزد خانواده و دیگران بدلیل مشکلات مالی، میزان طمع ورزی و دلیل تراشی برای ارتکاب جرم) به مدل تحلیلی تحقیق همچنان پایدار باقی می ماند یا خیر. با توجه به چارچوب نظری فوق فرضیات زیر مطرح و آزمون شده اند:

۱. بین مجرمان اقتصادی (زندانی) و همتایان غیرمجرم آنان از نظر سطح جامعه پذیری دینی در محیط خانواده پدری (خاستگاه) تفاوت معنی داری به لحاظ آماری وجود دارد.

۲. بین مجرمان اقتصادی (زندانی) و همتایان غیرمجرم آنان از نظر سطح جامعه پذیری دینی از طریق دوستان صمیمی تفاوت معنی داری به لحاظ آماری وجود دارد.

۳. بین مجرمان اقتصادی (زندانی) و همتایان غیرمجرم آنان از نظر سطح جامعه پذیری دینی در محیط مدرسه (در دوران دانش آموزی آنان) تفاوت معنی داری به لحاظ آماری وجود دارد.

۴. بین مجرمان اقتصادی (زندانی) و همتایان غیرمجرم آنان از نظر سطح جامعه پذیری دینی در محله و اجتماع تفاوت معنی داری به لحاظ آماری وجود دارد.

۵. بین مجرمان اقتصادی (زندانی) و همتایان غیرمجرم آنان از نظر سطح جامعه پذیری دینی از طریق برنامه های دینی صدا و سیما تفاوت معنی داری به لحاظ آماری وجود دارد.

۶. بین مجرمان اقتصادی (زندانی) و همتایان غیرمجرم آنان از نظر سطح جامعه پذیری دینی از طریق محصولات فرهنگی مجوز گرفته از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تفاوت معنی داری به لحاظ آماری وجود دارد.

۷. بین مجرمان اقتصادی (زندانی) و همتایان غیرمجرم آنان از نظر درجه دینداری تفاوت معنی داری به لحاظ آماری وجود دارد.

۸. بین مجرمان اقتصادی (زندانی) و همتایان غیرمجرم آنان از نظر ادراک در مورد احتمال کشف جرم و قطعیت و شدت مجازات مترتب بر ارتکاب جرم تفاوت معنی داری به لحاظ آماری وجود دارد.

۹. بین مجرمان اقتصادی (زندانی) و همتایان غیرمجرم آنان از نظر درجه لذت جویی تفاوت معنی داری به لحاظ آماری وجود دارد.
۱۰. بین مجرمان اقتصادی (زندانی) و همتایان غیرمجرم آنان از نظر درجه خود شیفتگی تفاوت معنی داری به لحاظ آماری وجود دارد.
۱۱. بین مجرمان اقتصادی (زندانی) و همتایان غیرمجرم آنان از نظر درجه ناتوانی در کنترل نفس (کنترل بر رفتار خود) تفاوت معنی داری به لحاظ آماری وجود دارد.
۱۲. بین مجرمان اقتصادی (زندانی) و همتایان غیرمجرم آنان از نظر درجه ترس از سرافکندگی ناشی از بحران مالی نزد خانواده و دیگران تفاوت معنی داری به لحاظ آماری وجود دارد.
۱۳. بین مجرمان اقتصادی (زندانی) و همتایان غیرمجرم آنان از نظر درجه طمع ورزی و دلیل تراشی برای ارتکاب جرم تفاوت معنی داری به لحاظ آماری وجود دارد.
۱۴. بین مجرمان اقتصادی (زندانی) و همتایان غیرمجرم آنان از نظر ادراک از میزان وجود فرصت ارتکاب جرم در محیط کار تفاوت معنی داری به لحاظ آماری وجود دارد.

روش تحقیق

این پژوهش از نظر نوع و ماهیت نتایج، پژوهشی کاربردی از نوع ارزیابی^۱ است که خود زیر مجموعه تحقیقات سیاست پژوهی^۲ محسوب می شود. ذکر این نکته لازم است که ارزیابی، یک روش تحقیق محسوب نمی شود بلکه ارزیابی به هدفی که بخاطر آن تحقیق انجام می شود اشاره می کند و برای انجام آن می توان از همه روش های تحقیق استفاده کرد (Dane, ۲۰۱۱: ۲۹۸). تحقیقات ارزیابی اثرات سیاست ها و برنامه ها را بر روی آماج آن سیاست ها و برنامه ها (یعنی افراد، گروه ها، نهاد ها و اجتماعات) از نظر میزان تحقق اهداف، مورد بررسی قرار می دهند. ارزیابی به راه های منظم برای جمع آوری، تجزیه و تحلیل، و کاربرد اطلاعات جهت پاسخگویی به سوالاتی در خصوص پروژه ها، سیاست ها، و برنامه ها خصوصا راجع به اثربخشی و کارآیی آن ها اطلاق می شود. هم در بخش دولتی

1. Evaluation Research

2. Policy Research

و هم بخش خصوصی، طرف های ذی نفع می خواهند بدانند آیا برنامه هایی که آنان اجرا می کنند و بودجه زیادی صرف اجرای آن ها می کنند واقعا اثرات مورد انتظار آنان را در پی دارند یا خیر. کار محقق ارزیاب پاسخگویی به این سوال است.

مشکل اصلی در ارزیابی اثرات یک برنامه این است که گاهی اوقات برآیندهای مطلوب ممکن است تحت تأثیر عواملی غیر مرتبط با برنامه ایجاد شده باشند. لذا ارزیابی تأثیر متضمن ارائه یک برآورد از اثرات خالص یک برنامه است، یعنی تغییرات ناشی از مداخله قطع نظر از تغییرات ناشی از عملکرد فرایندها و رویدادهای دیگر که بر شرایط اجتماعی موضوع مداخله اثر گذار بوده اند. به منظور اجرای یک ارزیابی تأثیر، ارزیاب باید طرحی را تنظیم کند که قادر به تعیین وضعیت گیرندگان برنامه بر اساس سنجه های برآیندی مرتبط باشد و بتواند برآورد کند که اگر مداخله ای صورت نمی گرفت آن وضعیت چگونه می بود.

در تحقیق حاضر برای اینکه بتوان اثر بازدارندگی از جرم را به دینداری و میزان قرار گرفتن فرد در معرض تبلیغات دینی اجرا شده از سوی نهادهای جامعه پذیری دینی (و سایر عوامل بازدارنده) نسبت داد ارزیابی ما باید خصلتی مقایسه ای (تطبیقی) داشته باشد. برای اینکه ارزیابی چنین خصلتی داشته باشد یا باید از گروههای کنترل استفاده کرد تا از این طریق اثر بازدارندگی مشاهده شده را بتوان به تفاوت بین دو گروه (آزمودنی و کنترل) نسبت داد (یعنی دو گروه مجرم و غیر مجرم) و یا اینکه از کنترل های آماری بر روی عوامل منتخب استفاده کرد. در تحقیق حاضر از هر دو روش برای تعیین اثر و سهم بازدارندگی دینداری استفاده شده است.

از این گذشته چارچوب نظری انتخاب شده برای اجرای تحقیق حاضر به نحوی است که هم سهم تاثیر بازدارنده های درونی (یعنی تأثیر همه نهادهای مسئول جامعه پذیری دینی) را بطور جداگانه و یکجا تعیین می کند و هم سهم تاثیر بازدارنده های بیرونی را بطور جداگانه و بطور یکجا تعیین می کند. رویکرد جرم شناسانه ما در این تحقیق ارزش نسبی اثربخشی همه نهادهای مسئول جامعه پذیری دینی در پیشگیری از جرم را با هم در نظر می گیرد. یکی از این نهادها ممکن اثر بیشتر و قوی تری در مقایسه با سایر نهادها داشته باشد.

بعلاوه در این پژوهش از روش پیمایش و طرح علی - مقایسه ای یا گذشته نگر به منظور بررسی تاثیر عوامل مختلف بر بازدارندگی افراد از ارتکاب جرایم اقتصادی استفاده شده است. بدین منظور ۱۲۰ پرسشنامه در میان مجرمان اقتصادی محبوس در زندان اوین در سال ۱۳۹۱ و ۱۲۰ پرسشنامه در میان گروه غیرمجرم (گروه همتا) در شهر تهران اجرا شده است.

متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته عبارت است از: ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم اقتصادی و متغیرهای مستقل عبارتند از: درجه دینداری فرد، سطح جامعه پذیری دینی در محیط خانواده پدری (خاستگاه)، سطح جامعه پذیری دینی از طریق دوستان، از طریق مدرسه، از طریق محله و اجتماع، از طریق برنامه های دینی صدا و سیما و از طریق محصولات فرهنگی مجوز گرفته از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. متغیرهای مربوط به فرضیات مستخرج از نظریه های رقیب نیز بخش دیگری از متغیرهای مستقل را تشکیل می دهند: شدت ترس از سرافکندگی و شرمندگی ناشی از بحران مالی نزد خانواده یا دیگران، میزان طمع ورزی و دلیل تراشی برای ارتکاب جرم، ادراک فرد از میزان وجود فرصت ارتکاب جرم در محیط کار، درجه لذت گرایی در زندگی، درجه خودشیفتگی، درجه عدم کنترل نفس (عدم کنترل بر رفتارهای خود)، ادراک فرد از احتمال کشف جرم و شدت مجازات تعیین شده برای آن (این متغیرها در ذیل بازدارنده های بیرونی یا سکولار قرار می گیرند). سایر متغیرهای مستقل عبارتند از: متغیرهای دموگرافیک مانند سن، وضع تاهل، سن هنگام اولین ازدواج، تعداد فرزندان، نوع شغل، میزان درآمد، سطح تحصیلات. ذیلا تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای فوق ارائه می گردد.

جرم اقتصادی

ماهیت جرائم اقتصادی در طول زمان تحول می یابد. گاه این جرائم از سوی یقه آبی ها و گاه از سوی یقه سفیدها صورت می گیرند. گاه در محیط فیزیکی و گاه در محیط مجازی رخ می دهند. برخی جرایم اقتصادی فیزیکی عبارتند از سوء مدیریت دارایی ها، تقلب^۱، دادن

1. fraud

یا گرفتن رشوه، اختلاس، کلاهبرداری، پول شویی، رانت خواری، زمین خواری، عضویت و فعالیت در شرکت های هرمی، فرار از مالیات، قاچاق کالا و ارز و مواد مخدر، تطمیع، جعل و ... لازم است بین فساد اداری و جرم اقتصادی تمایز قائل شد. بر اساس تعریف بانک جهانی و سازمان شفافیت بین الملل، اصطلاح فساد اداری^۱ به معنی "سوء استفاده از اختیارات دولتی (قدرت عمومی) برای کسب منافع شخصی (خصوصی) است". چنین فساد می تواند هم در سطح دولتمردان و کارمندان عالی رتبه و هم در سطح کارمندان میانی و جزء رخ دهد. مجرمان اقتصادی برای پیشبرد امور خود نیازمند همکاری کارمندان فاسد عالی رتبه یا میانی هستند. البته گاه ممکن است کارمند فاسد، خود نیز مرتکب یکی از جرایم اقتصادی شود.

عده ای جرایم اقتصادی را شکل خاصی از جرایم سازمان یافته دانسته اند (Nelken, ۱۹۹۷, Savona, ۱۹۹۸). به زعم آنان تخصصی شدن، حرفه ای شدن و سازماندهی سه ویژگی اصلی جرایم اقتصادی محسوب می شوند. هرچه زمینه ای که مجرمان اقتصادی در آن کار می کنند پیچیده تر باشد آنها به تجربه حرفه ای بیشتر و به ساختارهای سازمانی وسیعتری برای ارتکاب جرم خود نیاز دارند. به همین دلیل تخلفات و جرایم اقتصادی بزرگ مقیاس به سازماندهی بیشتری نیازمند هستند تا مجرمان دخیل در آنها آسان تر به اهداف خود برسند و ریسک ها و مخاطرات احتمالی را کاهش دهند. مجرمان اقتصادی نیازمند اطلاعات مشروح در خصوص قوانین، مقررات، رویه ها، تکنیک ها و کردارهای تجاری در سطح محلی، منطقه ای، ملی و بین المللی هستند تا از این طریق بتوانند فرصت ها و ریسک ها را ارزیابی کنند. آنها معمولاً شبکه ای از افراد با مهارتهای مورد نیاز را به دور خود ایجاد می کنند تا کارآمدی تجاری خود را بالا ببرند و بتوانند خود را با شرایط جدید قانونی یا تکنولوژیکی هماهنگ کنند.

دادخدایی تعریف دیگری از جرم اقتصادی و نسبت آن با فساد ارائه کرده است. وی در وهله اول جرم اقتصادی را از جرایم علیه اموال متمایز می سازد. جرایم علیه اموال جرم فقرا محسوب می شوند اما جرایم اقتصادی جرم یقه سفیدها محسوب می شوند (دادخدایی، ۱۳۸۹: ۵۰).

در کتاب سیاست جنایی- تقنینی ایران در جرایم اقتصادی که از سوی معاونت آموزش قوه قضائیه در سال ۱۳۸۷ منتشر شده است جرائمی همچون رشاء و ارتشاء، اختلاس، اخذ پورسانت، اخلال در نظام اقتصادی کشور، پولشویی، جعل اسکناس و اوراق بهادار، تحصیل مال از طریق نامشروع، جرایم مالیاتی، قاچاق کالا و ارز، جرایم گمرکی، جرایم ورشکستگی به تقصیر و تقلب بعنوان مصادیق جرم اقتصادی برشمرده شده اند (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۸۷). بر اساس همین تعریف در تحقیق حاضر هم فساد کارکنان بخش دولتی و هم جرایم اقتصادی بخش خصوصی مورد مطالعه واقع شده اند.

درجه دینداری

دینی بودن عنوان عامی است که به هر فرد یا پدیده‌ای که ارزش‌ها و نشانه‌های دینی در آن متجلی باشد اطلاق می‌شود. تجلی ارزش‌ها و نشانه‌های دینی بودن فرد را در نگرش، گرایش و کنش‌های آشکار و پنهان او می‌توان جست و شناسایی کرد. فرد متدین از یک سو خود را ملتزم به رعایت فرمان‌ها و توصیه‌های دینی می‌داند و از سوی دیگر، اهتمام و ممارست‌های دینی، او را به انسانی متفاوت با دیگران بدل می‌سازد. بنابراین به دو طریق یا با دو نشانه می‌توان او را از دیگران بازشناخت: یکی از طریق پای بندی و التزام دینی اش و دیگری «پیامد» دینداری و آثار تدین در فکر و جان و عمل فردی و اجتماعی او (پویافر و سراج زاده، ۱۳۸۸: ۳ به نقل از شجاعی زند، ۱۳۸۴: ۳۵ و ۳۶).

در ایران پژوهشگران از سنجه‌های مختلفی برای سنجش دینداری استفاده کرده اند. اما مهمترین آنها که واجد پشتوانه نظری بوده و رویکردی جامعه‌شناسانه دارد عبارت است از مقیاس مقیاس شجاعی زند (۱۳۸۴) که مبنای ساخت ابزار سنجش دینداری در تحقیق حاضر است. شجاعی زند تلاش کرده است تا سنجه خود را بر مبنای اصول دین اسلام و اوضاع اجتماعی ایران طراحی کند. به اعتقاد وی دینداری دارای ابعاد و اجزایی منبعث از وجوه متفاوت دین است که به نوبه خود در تناسب با ابعاد وجودی انسان قرار می‌گیرد. بر این اساس وی با تلقی دین به مثابه تأثیر و تجلی کم یا زیاد دین در ذهن، روان و رفتار فرد و پی‌گیری آن از طریق ابعاد تفصیل یافته اش یعنی عقیده، ایمان، عبادت، اخلاق و شریعت، پنج

بعد را برای دینداری در نظر می گیرد که شامل معتقد بودن، مؤمن بودن، اهل عبادت بودن، عمل اخلاقی و تشرع است (همان: ۵).

الگوی پیشنهادی شجاعی زند تا کنون کمتر از سنجه های دیگر به محک تجربه خورده است. یکی از تحقیقات تجربی که از سنجه فوق استفاده کرده است تحقیق سراج زاده و پویافر (۱۳۸۸) است که پرسشنامه آن بر اساس الگوی شجاعی زند و در قالب ۲۹ گویه طراحی شده و در میان دانشجویان دانشگاه سمنان اجرا شده است.

در تحقیق حاضر ضمن پذیرش الگوی نظری شجاعی زند برخی از گویه های ساخته شده توسط سراج زاده و پویافر را از پرسشنامه تحقیق حذف کردیم و چند گویه را اضافه کردیم تا تناسب بیشتری با ویژگی های جامعه آماری مورد تحقیق ایجاد شود و در مجموع از ۱۶ گویه برای سنجش دینداری استفاده شد. البته پس از اجرای تکنیک تحلیل عاملی بر روی ۱۶ گویه مورد استفاده چهار عامل استخراج شد. در عامل اول ۹ گویه مربوط به سه بعد عبادی (فردی و جمعی)، شرعی (عمل به تکالیف فردی و جمعی) و اخلاقی با همدیگر یک منظومه منسجم را تشکیل می دادند که بیشترین میزان واریانس را نیز تبیین می کردند. در عامل دوم چهار گویه که بعد اعتقادی دینداری را می سنجیدند قرار گرفتند و در عامل سوم دو گویه که هر دو زیر مجموعه تکالیف فردی و جمعی محسوب می شوند قرار گرفتند. یک گویه نیز به تنهایی یک عامل را تشکیل می داد. در تحقیق حاضر سنجه دینداری بر اساس گویه های تشکیل دهنده عامل اول ساخته شده است. گویه های تشکیل دهنده عامل دوم فاقد تغییر پذیری در الگوی پاسخ پاسخگویان بودند و لذا حذف شدند. عامل سوم نیز به تنهایی برای سنجش دینداری کفایت نمی کرد و به همین دلیل حذف شد. تنها گویه تشکیل دهنده عامل چهارم نیز به همین دلیل حذف شد.

سطح جامعه پذیری دینی

در تحقیق حاضر منظور از جامعه پذیری دینی فرایند یادگیری هر آن چیزی است که به جهان دینی مربوط می شود از یادگیری زبان مذهبی تا شعایر یا مناسک دینی. آنچه که ما راجع به متون دینی (قرآن مجید، نهج البلاغه و سایر کتب دینی) فرا می گیریم، آنچه که راجع به

زندگی و سیره پیشوایان دینی (پیامبر و ائمه معصومین) می‌آموزیم، آنچه که در مورد گناه و توبه می‌دانیم همگی بخش‌هایی از فرایند جامعه‌پذیری دینی محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر جامعه‌پذیری دینی فرایند آموزش است. البته این فرایند به یادگیری محتواهای دینی و تشخیص رفتار مناسب در اماکن متبرکه محدود نمی‌شود بلکه به این معنی است که آیا ما از منظر دینی به جهان می‌نگریم یا خیر (جهان‌بینی دینی).

دستگاه‌ها و نهادهای مسئول جامعه‌پذیری دینی یا تبلیغات دینی متعدّدند. چاوز (۲۰۰۲: ۱۵۲۳) سه نوع سازمان دینی را از همدیگر تفکیک کرده است: جماعت‌ها یا گردهمایی‌های دینی^۱ که عبارتند از سازمان‌ها و تجمعات محلی خرد مقیاس که از طریق آنها افراد به فعالیت دینی می‌پردازند مثل کلیساها، کنیسه‌ها، مساجد و معابد. سازمان‌های دینی دسته دوم سازمان‌هایی هستند که تجمعات یا گردهمایی‌های دینی در آن‌ها شکل نمی‌گیرند اما آن‌ها گردهمایی‌ها تحت حمایت و نظارت آنها صورت می‌گیرند مانند نهادهای تبلیغ دینی، دفاتر ملی و منطقه‌ای جماعت‌های مختلف دینی و نظایر اینها. سازمان‌های دینی دسته سوم سازمان‌هایی هستند که در حوزه‌های عملکردی غیردینی فعالیت می‌کنند و شامل طیف وسیعی از سازمان‌های دینی می‌شوند که تقریباً همه کارهایی که سازمان‌های سکولار غیر انتفاعی انجام می‌دهند آنها هم انجام می‌دهند مانند مدارس، بیمارستان‌ها، مراکز مراقبت از کودکان، برنامه‌های توانبخشی معتادان و نظایر اینها. (Chavez, ۲۰۰۲: ۱۵۲۳)

دستگاه‌ها و نهادهای مسئول جامعه‌پذیری دینی یا تبلیغات دینی در ایران را می‌توان در سنخ‌شناسی فوق‌الذکر گنجانده. به عنوان مثال مساجد، حسینیه‌ها، هیئات مذهبی، کنگره عظیم حج، عتبات عالیات، و نظایر اینها را می‌توان از مصادیق سازمان‌های دسته اول دانست. حوزه‌های علمیه قم و یا سایر شهرهای کشور، سازمان تبلیغات اسلامی، ستاد رسیدگی به امور مساجد، ستاد اقامه نماز، و نظایر اینها را می‌توان از مصادیق سازمان‌های دسته دوم دانست و مدارس، دانشگاه‌ها، شبکه‌های رادیو و تلویزیونی، سینماها، تئاترها، کتابخانه‌های عمومی و نظایر اینها را می‌توان از مصادیق سازمان‌های دسته سوم دانست.

در تحقیق حاضر هم سطح جامعه‌پذیری دینی از طریق برنامه‌های دینی صدا و سیما و

همچنین سطح جامعه پذیری دینی از طریق مصرف محصولات فرهنگی مجوز گرفته از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است و هم تاثیر سایر عوامل جامعه پذیری دینی مورد مطالعه قرار گرفته است: سطح جامعه پذیری دینی در محیط خانواده پدری، سطح جامعه پذیری دینی از طریق دوستان صمیمی، از طریق مدرسه، از طریق محله و اجتماع محل سکونت.

شدت ترس از سرافکنندگی و شرمندگی ناشی از بحران مالی نزد خانواده و دیگران این متغیر را با الهام از مفهوم پردازی جیمز ویلیام کلمن در خصوص انگیزه های ارتکاب جرایم اقتصادی در مدل تحلیلی تحقیق قرار داده ایم. از نظر کلمن انگیزه های ارتکاب جرایم اقتصادی دو دسته هستند. یکی مقابله با بحران و دیگری مغتنم شمردن فرصت. این بحران از هر نوعی می تواند باشد چه بحران هایی که یک فرد یا اعضای خانواده اش را تهدید می کند و چه بحران هایی که موجودیت یک شرکت تجاری را تهدید می کند. در تحقیق حاضر با دو معرف یا سوال شدت تجربه بحران نوع اول را اندازه گیری کرده ایم.

میزان طمع ورزی و دلیل تراشی برای ارتکاب جرم

بحران هایی که موجودیت یک شرکت تجاری را تهدید می کنند و دلیل تراشی هایی که برای مقابله با چنین بحران هایی صورت می گیرند همراه با طمع ورزی و مغتنم شمردن فرصت در مجموع انگیزه دیگری برای ارتکاب جرم اقتصادی محسوب می شوند. این متغیر از طریق هفت گویه اندازه گیری شده است. لازم به ذکر است این نحوه مفهوم سازی منطبق بر نتیجه تحلیل عاملی در تحقیق حاضر است و به همین دلیل با مفهوم سازی اصلی جیمز کلمن تا حدی متفاوت است.

ادراک فرد از میزان وجود فرصت ارتکاب جرم در محیط کار

این متغیر با الهام از مفهوم فرصت در نظریه ساترلند در مدل تحلیلی تحقیق قرار گرفته است. منظور از این متغیر این است که تا چه حد فرد تصور می کند که زمینه ها و شرایط لازم برای وقوع جرم اقتصادی در محیط کار وی وجود داشته یا دارد. این متغیر با پنج گویه اندازه گیری شده است. این گویه ها به میزان یادگیری تکنیک های تخلف و قانون شکنی در

محیط کار، انگیزه یابی برای ارتکاب جرم در محیط کار، جرم خیز بودن روابط و ساختار موجود در محیط کار، ضعف نظام‌های نظارتی و کنترلی در محیط کار، و بالاخره رواج فرهنگ سازمانی تسهیل‌کننده جرم مربوط می‌شوند.

درجه لذت‌گرایی در زندگی

منظور از درجه لذت‌گرایی^۱ میزان ارزشی است که یک فرد برای اشیاء و کالاهای مادی و لذت بردن از زندگی قائل است. این مفهوم را با چهار گویه در پرسشنامه تحقیق عملیاتی کرده ایم.

درجه خودشیفتگی

مفهوم خودشیفتگی^۲ آنگونه که برومبرگ تعریف کرده است عبارت است از خود بزرگ بینی، نیاز به ستایش و تحسین و کسب موفقیت به هر قیمتی. این مفهوم را با نه معرف یا گویه اندازه‌گیری کرده ایم.

درجه عدم کنترل نفس (کنترل بر رفتارهای خود)

براساس تعریف گاتفردسون و هیرشی مجرمان فاقد قدرت کنترل نفس^۳ هستند. آنان به بدرفتاری در مدرسه، مصرف مواد مخدر، اسراف و ولخرجی، غیبت از محل کار یا تحصیل، کندی و تاخیر در انجام وظایف، رانندگی بی‌محابا، مشکلات رفتاری، و رها کردن شغل گرایش دارند. (Gottfredson and Hirschi, ۱۹۹۰) این مفهوم را با ده گویه اندازه‌گیری کرده ایم.

ادراک فرد از احتمال کشف جرم و شدت مجازات تعیین شده برای آن

مجرمین معمولاً مزایا و منافع مترتب بر رفتار مجرمانه و احتمال دستیابی به آنها را بیش از حد واقعی برآورد می‌کنند و هزینه‌های ناشی از ارتکاب جرم و احتمال تحمل ضرر و زیان را کم برآورد می‌کنند. این متغیر را با سه معرف یا گویه اندازه‌گیری کرده ایم.

1. Hedonism
2. Narcissism
3. Self-control

جمعیت آماری

جمعیت آماری تحقیق حاضر مطابق با آنچه که در مورد تحقیقات پس رویدادی از نوع علی - مقایسه ای گفتیم عبارت است از: مفسدان و مجرمان اقتصادی محبوس در زندان اوین بعنوان گروه ملاک و فعالان اقتصادی و کارکنان همتای آنان در بخش دولتی و خصوصی در شهر تهران.

در تحقیق حاضر زندانیان جرایم اقتصادی در زندان های استان تهران جمعیت آماری را تشکیل می دهند. با توجه به اینکه چنین مجرمانی عمدتاً در زندان اوین محبوس هستند لذا جامعه آماری تحقیق تدقیق شد و به زندانیان جرایم اقتصادی محبوس در زندان اوین تغییر یافت. از مسئولان زندان اوین تقاضا شد آمار زندانیان جرایم اقتصادی را برای تسهیل فرآیند نمونه گیری در اختیار محقق قرار دهند. نهایتاً یک فهرست هزار نفره از زندانیان جرایم اقتصادی و مالی محبوس در زندان اوین به تفکیک نام، نوع جرم و محل نگهداری در اندرزگاه های زندان اوین در اختیار محقق قرار گرفت. بر طبق این فهرست محکومان جرایم اقتصادی و مالی در اندرزگاه های شماره چهار، شش، هفت، هشت و سالن شماره یک بند ۲۴۱، محبوس هستند. در بند ۲۴۱، سی و شش نفر از متهمان و یا محکومان جرایم اقتصادی کلان محبوس بودند. به دلایل کاملاً موجه به توصیه مسئولان زندان از اجرای مصاحبه و پرسشنامه در این بند صرف نظر شد. لذا همه مصاحبه ها و اجرای آزمایشی پرسشنامه ها در دفتر رییس اندرزگاه شماره ۷ (بدون حضور ایشان) و تمام پرسشنامه های نهایی در سالن آمفی تئاتر اندرزگاه شماره ۷ و نمازخانه اندرزگاه شماره ۴ اجرا شده است. از آنجایی که در فهرست مذکور و البته در اندرزگاه ها زندانیان جرایم اقتصادی و مالی از همدیگر تفکیک نشده بودند محقق جرایم اقتصادی را از مالی تفکیک کرد و سپس با توجه به فراوانی جرایم در فهرست فوق الذکر پنج نوع جرم اقتصادی را انتخاب کرد (اختلاس، کسب مال نامشروع، کلاهبرداری، رشوه و ارتشاء، جعل اسناد) و از مسئول اندرزگاه خواست محکومان یا متهمان جرایم فوق را در سالن آمفی تئاتر و یا در نمازخانه اندرزگاه گردآورد. ۱۲۷ نفر از زندانیان در محل اجرای پرسشنامه حاضر شدند و به سوالات پرسشنامه پاسخ دادند. جدول زیر نوع

جرایم اقتصادی مورد مطالعه و فراوانی آنها را نمایش می دهد. البته هفت پرسشنامه بدلیل نرخ پایین پاسخگویی (بالا بودن تعداد سوالات بی پاسخ) از تجزیه و تحلیل کنار گذاشته شد و همه تحلیل ها بر اساس ۱۲۰ پرسشنامه مجرمان و ۱۲۰ پرسشنامه غیرمجرمان صورت گرفته است.

جدول ۱: نوع جرم نمونه های مورد مطالعه در زندان اوین

ردیف	نوع جرم اقتصادی	فراوانی	درصد خالص
۱	اختلاس	۵۲	۴۰/۹
۲	کسب مال نامشروع	۲۷	۲۱/۳
۳	کلاهبرداری	۱۹	۱۵
۴	ارتشاء و رشوه	۱۷	۱۳/۴
۵	جعل اسناد	۱۲	۹/۴
	جمع	۱۲۷	۱۰۰

شیوه و ابزار جمع آوری اطلاعات و اعتبار و پایایی سنجه های پرسشنامه جمع آوری اطلاعات در زندان اوین در سه مرحله انجام شد. در مرحله اول هم چارچوب نمونه گیری (فهرست ۱۰۰۰ زندانی جرایم اقتصادی و مالی) تهیه شد و هم با مسئول اندرزگاه شماره ۷ ملاقات صورت گرفت و ضمن استفاده از اطلاعات خود ایشان در مورد مجرمان اقتصادی با ۱۰ نفر از مجرمان اقتصادی در دو روز پیاپی در دفتر ایشان مصاحبه به عمل آمد. در مرحله دوم با استفاده از اطلاعات بدست آمده از مصاحبه ها، پیش نویس پرسشنامه اصلاح گردید و در همان اندرزگاه بر روی ۳۷ زندانی جرایم اقتصادی بصورت آزمایشی اجرا شد. در مرحله سوم پس از رفع اشکالات و ابهامات پرسشنامه و اجرای دقیق فرآیند نمونه گیری، پرسشنامه های تحقیق به تعداد ۱۲۷ نسخه در اندرزگاه های شماره ۷ و ۴ اجرا

شد. برای بالا بردن ضریب پاسخگویی صادقانه به سوالات پرسشنامه از تمهیدات خاصی استفاده شد تا زندانیان به هیچ وجه نگران پاسخ های داده شده به سوالات پرسشنامه نباشند. مثلاً به آنها اطمینان داده شد که اولاً اصل گمنامی و محرمانه باقی ماندن اطلاعات ارائه شده در پرسشنامه رعایت خواهد شد، ضمن اینکه به زندانیان اعلام شد که همکاری آنها در تکمیل پرسشنامه کاملاً داوطلبانه است و به هیچ وجه اجباری در این کار نیست. از این گذشته در سالن آمفی تئاتر زندان محلی برای قرار دادن پرسشنامه های تکمیل شده در نظر گرفته شد و از پاسخگویان تقاضا شد که پرسشنامه های بی نام و نشان خود را پس از تکمیل در آن محل قرار دهند تا از این طریق زندانیان مطمئن شوند که هویت آنها محفوظ باقی خواهد ماند. پرسشنامه مربوط به گروه همتا یا غیر مجرم نیز در محل کار و یا محل عبادت و یا محل فراغت آنها اجرا شد. برای هر یک از مجرمان اقتصادی مورد مطالعه، یک همتای غیر مجرم بر اساس معیار هایی مثل سن، نوع شغل، پست سازمانی، سطح تحصیلات و میزان درآمد انتخاب شد. ضمناً یکی از شرایط قرار گرفتن همتایان در نمونه تحقیق نداشتن سابقه کیفری بود.

از پرسشنامه به عنوان ابزار سنجش در این تحقیق استفاده شده است. در ساخت پرسشنامه همانگونه که پیشتر ذکر شد از نتایج حاصل از مصاحبه با زندانیان نیز استفاده شده است. از این گذشته پرسشنامه بصورت آزمایشی نیز اجرا شده و پس از حصول اطمینان از اعتبار و پایایی آن نسبت به تکثیر و اجرای پرسشنامه بر روی نمونه نهایی اقدام شده است. پرسشنامه نهایی زندانیان در ۸ صفحه و پرسشنامه نهایی همتایان در ۷ صفحه تنظیم شده اند. ۸۵ گویه با سطح سنجش ترتیبی و ۱۱ سوال چند گزینه ای یا سوال باز در خصوص ویژگی های زمینه ای وجه مشترک هر دو پرسشنامه محسوب می شوند. وجه اختصاصی پرسشنامه زندانیان نیز به ۸ سوال در مورد وضعیت قضایی آنان مربوط می شود.

برای تعیین اعتبار معرف ها، گویه ها و سوالات پرسشنامه و سنجه های ترکیبی آن از اعتبار محتوایی (اعتبار صوری و اعتبار مبتنی بر نمونه گیری) و برای تعیین پایایی شاخص های ترکیبی و طیف لیکرت در پرسشنامه از روش انسجام درونی استفاده شده است. بدین

منظور از آزمون آلفای کرونباخ بهره برده ایم. این آزمون ثبات درونی سنج‌ها را اندازه گیری می‌کند. مقدار آلفای کرونباخ بین صفر و یک نوسان دارد. چنانچه آلفا برابر با یک باشد نشانه دقت کامل ابزار اندازه گیری است و بر عکس چنانچه برابر با صفر باشد بیانگر عدم دقت و عدم تکرار پذیری ابزار اندازه گیری است. ضریب آلفای کرونباخ اگر مساوی یا بیشتر از $0/8$ باشد حاکی از پایایی درونی سنج‌ها یا وسیله اندازه گیری است (Bryman and Cramer, ۱۹۹۰: ۷۱). این آزمون را معمولاً برای آن دسته از معرف‌ها یا گویه‌ها و یا سوالات پرسشنامه بکار می‌برند که مجموعاً یک متغیر را می‌سنجند. لازم به ذکر است که برای بررسی اینکه آیا معرف‌های تشکیل دهنده یک سنج واقعاً به یکدیگر مرتبط هستند یا نه و اینکه همه آن معرف‌ها یک بعد از یک مفهوم را می‌سنجند یا ابعاد متفاوت، از تکنیک تحلیل عاملی استفاده می‌شود. در تحقیق حاضر نتایج تحلیل عاملی بر روی ده سنج مورد استفاده حاکی از آن بود که هر یک از سنج‌ها فقط از یک بعد تشکیل شده‌اند. ضرایب آلفای کرونباخ نیز این تک بعدی بودن سنج‌ها یا درجه انسجام درونی آنها را تایید کرد. فقط در مورد سنج انگیزه‌های ارتکاب جرم و سنج دینداری بود که نتیجه تحلیل عاملی نشان داد که هر یک از این سنج‌ها از بیش از یک بعد تشکیل شده‌اند و به همین دلیل در مورد انگیزه‌ها هر سه بعد را نگهداشته و آنها را به عنوان سه متغیر در میان متغیرهای مستقل قرار دادیم اما در مورد سنج دینداری فقط یکی از ابعاد را نگهداشته و دو بعد دیگر را که الگوی پاسخ‌دهی پاسخگویان در مورد گزینه‌های گویه‌های تشکیل دهنده آنها فاقد تغییر پذیری^۱ بودند حذف کردیم. خوشبختانه ضرایب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای همه سنج‌های ساخته شده در تحقیق حاضر بیشتر از $0/8$ می‌باشد و فقط در مورد سنج دینداری این ضریب $0/7$ محاسبه شده است.

روش‌های آماری تجزیه و تحلیل اطلاعات

پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌های تکمیل شده توسط زندانیان و هم‌تایان آنان در خارج از زندان، ابتدا پردازش اطلاعات شامل ویراستاری، کدگذاری و ورود داده‌ها به فایل

کامپیوتری در محیط (SPSS.۱۹) و سپس آنالیز توصیفی و تحلیلی از داده ها به عمل آمد. برای توصیف داده ها از آماره های توصیفی فراوانی، درصد معتبر، تجمعی، میانگین، مد، میانه، واریانس، انحراف معیار استفاده شده است. برای تحلیل داده ها نیز متناسب با سطح سنجش متغیرها از آزمون های آماری مناسب استفاده شده است. از آزمون مجذور خی و تی تست به ترتیب برای بررسی رابطه ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم با متغیرهای مستقل تحقیق و مقایسه میانگین دو گروه مجرم و غیر مجرم بر روی متغیرهای مستقل استفاده شده است. همچنین از تحلیل رگرسیون لجیستیک نیز برای تعیین اثر خالص یا سهم جداگانه تک تک متغیرهای مستقل (با کنترل یا ثابت نگهداشتن سایر متغیرهای مستقل) بر متغیر وابسته استفاده شده است.

یافته های تحقیق

تجزیه و تحلیل داده ها نشان داد که میانگین سنی گروه مجرم ۴۵/۵۴ سال و میانگین سنی گروه غیر مجرم (گروه همتا) ۳۴/۴۷ سال می باشد. از میان ۲۳۷ پاسخگویی که به سوالی در مورد وضع تاهل خود پاسخ گفته اند ۷۳/۴ درصد متاهل هستند و ۲۰/۷ درصد مجرد می باشند. درصد خیلی کمی از هر دو گروه مجرم و غیر مجرم نیز دوران نامزدی خود را تجربه می کنند و یا بخاطر طلاق یا فوت همسر تنها زندگی می کنند. مجرمان اقتصادی محبوس در زندان تا قبل از دستگیری در مشاغل مختلف بخش خصوصی و دولتی در سطح مدیران، روسای شعبات بانک های دولتی، کارمندان بانک های دولتی، و کارمندان عادی دولت مشغول به کار بوده اند. ۳۴/۲ درصد از پاسخگویان مجرم دیپلمه و ۳۳/۳ درصد لیسانس هستند. بعلاوه ۵/۱ درصد از آنان دارای مدرک دکتری و ۷/۷ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد هستند. سطح تحصیلات اعضای گروه غیر مجرم نیز تاحدی به گروه مجرم نزدیک می باشد. در زمان جمع آوری اطلاعات ۸۱ درصد از زندانیان مورد بررسی محکوم و ۱۹ درصد دیگر منتظر صدور حکم بوده اند. ۴۰/۹ درصد از زندانیان مورد مطالعه به جرم اختلاس و ۲۱/۳ درصد نیز به جرم کسب مال نامشروع دستگیر و زندانی شده اند. کلاهبرداری، ارتشا و جعل اسناد نیز به ترتیب ۱۵ درصد، ۱۳/۴ درصد و ۹/۴ درصد از

اتهامات یا جرایم زندانیان مورد مطالعه را تشکیل می‌دهند. با توجه به فضای محدود در مقاله حاضر از بیان روابط دو متغیره صرف نظر کرده و تنها به بیان روابط چندمتغیره با استفاده از رگرسیون لجستیک بسنده می‌کنیم.

نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک بر روی متغیر وابسته ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم

به منظور محاسبه رگرسیون لجستیک از برنامه آماده آماری برای علوم اجتماعی نسخه ۱۹^۱ استفاده شد. در اینجا ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم بعنوان ملاک^۲ در نظر گرفته شد. پیش بین‌ها^۳ نیز عبارت بودند از: درجه لذت جویی، درجه طمع ورزی و دلیل تراشی برای ارتکاب جرم، ادراک فرد در مورد میزان وجود فرصت ارتکاب جرم در محیط کار، میزان نگرانی از سرافکندگی ناشی از بحران مالی نزد خانواده و آشنایان، میزان ناتوانی در کنترل رفتار خود، درجه خود شیفتگی، ادراک فرد از احتمال کشف جرم و قطعیت و شدت مجازات، سطح جامعه پذیری دینی در محیط خانواده خاستگاه، سطح جامعه پذیری دینی از طریق دوستان صمیمی، از طریق مدرسه، از طریق محله و اجتماع، از طریق برنامه های دینی صدا و سیما، از طریق مصرف محصولات فرهنگی مجوز گرفته از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، و درجه دینداری.

جمعیت نهایی مورد تحلیل ۱۶۱ نفر می باشد. ۷۹ پرسشنامه از گردونه تحلیل خارج شده اند. دلیل آن این است که در تحلیل رگرسیونی وجود یک سوال بی پاسخ به حذف کلی یک پاسخگو (یک پرسشنامه) از تحلیل رگرسیونی منجر می شود. به این معنی که اگر یک پاسخگو به یکی از متغیرهای موجود در مدل پاسخ نداده باشد پاسخ وی به سایر متغیرهای موجود در مدل نیز حذف می شود. همانگونه که در جدول می توان دید مدل تحلیلی مورد استفاده در تحقیق حاضر ۰/۷۵ از واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده است. البته ذکر این نکته لازم است که معمولا "مجذور ناچل کرکه" را معادل "آر دو" در رگرسیون خطی می

1. spss.19.0
2. Criterion
3. Predictors

دانند اما اصولاً رگرسیون لجستیک چنین معادلی ندارد با این حال عده ای از محققان مایل اند اینگونه معادل سازی کنند یعنی آن را نسبت واریانس تبیین شده توسط متغیرهای مستقل می دانند. اگر چنین چیزی را بپذیریم باید بگوییم مدل مورد استفاده در تحقیق حاضر ۰/۷۵ واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده است. بعلاوه همانگونه که ضرائب بتا نشان می دهند از میان ۱۴ متغیر مستقل یا پیش بین فقط ۶ متغیر بطور معنی داری به لحاظ آماری بر متغیر وابسته اثر گذار بوده اند. این شش متغیر عبارتند از: طمع ورزی یا دلیل تراشی برای ارتکاب جرم، ادراک فرد در خصوص وجود فرصت ارتکاب جرم در محل کار، ادراک فرد در خصوص احتمال کشف جرم و قطعیت و شدت جرم، عدم کنترل بر رفتار خود، درجه لذت طلبی، و درجه دینداری.

بر اساس نتایج تحلیل رگرسیونی، وجود فرصت ارتکاب جرم اقتصادی در محل کار و دست کم گرفتن احتمال کشف جرم و قطعیت و شدت مجازات مهمترین عوامل موثر یا پیش بینی کننده ارتکاب جرایم اقتصادی محسوب می شوند. برخلاف انتظار نمرات گروه غیر مجرم بر روی چهار متغیر درجه طمع ورزی و دلیل تراشی برای ارتکاب جرم، متغیر درجه کنترل بر رفتار خود، متغیر درجه لذت طلبی و متغیر درجه دینداری بیش از نمرات گروه مجرم بود. به عبارت دیگر گروه غیرمجرم جاه طلب تر، لذت طلب تر، توانا تر به کنترل رفتار خود و دیندار تر از گروه مجرم می باشد. در مورد سایر متغیرهای موجود در مدل تحلیلی هیچ تفاوت معنی داری بین گروه مجرم و غیر مجرم مشاهده نشده است. به این ترتیب هیچیک از عوامل جامعه پذیری دینی مثل خانواده، دوستان، مدرسه، محله و اجتماع، برنامه های دینی صدا و سیما، و محصولات فرهنگی مجوز گرفته از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قدرت بازدارندگی یا پیشگیری از جرایم اقتصادی را ندارند.

جدول ۲. نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک روی برآیند دوگانه ارتکاب جرم (۱) و عدم

ارتکاب جرم (۰)

ردیف	متغیرها	ضریب بتا	خی دو والد	سطح معنی داری
۱	درجه لذت طلبی	-۰/۴۲	۵/۸۱	۰/۰۱
۲	درجه طمع ورزی و دلیل تراشی برای ارتکاب جرم	-۰/۲۳	۱۵/۹۷	۰/۰۰۰
۳	ادراک از وجود فرصت ارتکاب جرم در محیط کار	۰/۱۸	۷/۸۷	۰/۰۰۵
۴	نگرانی از سرافکندگی ناشی از بحران مالی نزد خانواده و دیگران	۰/۵۳	۲/۵۸	۰/۱۰
۵	عدم کنترل بر رفتار خود	-۰/۰۷	۴/۰۱	۰/۰۴
۶	خود شیفتگی	-۰/۰۵	۱/۸۴	۰/۱۷
۷	ادراک از احتمال کشف جرم و شدت مجازات	-۰/۱۹	۵/۸۷	۰/۰۱
۸	سطح جامعه پذیری دینی در محیط خانواده	۰/۰۴	۰/۲۴	۰/۶۲
۹	سطح جامعه پذیری دینی از طریق دوستان صمیمی	-۰/۰۹	۰/۹۲	۰/۳۳
۱۰	سطح جامعه پذیری دینی از طریق مدرسه	۰/۰۷	۰/۵۱	۰/۴۷

۱۱	سطح جامعه پذیری دینی از طریق محله و اجتماع	۰/۰۹	۰/۶۳	۰/۴۲
۱۲	سطح جامعه پذیری دینی از طریق برنامه های صدا و سیما	۰/۱۴	۲/۵۷	۰/۱۰
۱۳	سطح جامعه پذیری دینی از طریق محصولات فرهنگی مجوز گرفته ا ز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۹۰
۱۴	درجه دینداری	-۰/۱۸	۴/۹۹	۰/۰۲
Nagelkerke R Square 75/0				

بحث و تفسیر نتایج تحقیق

در این قسمت لازم است به یک سوال کلی و پیامدهای نظری آنها توجه کنیم. اینکه از میان همه عوامل پیش بینی کننده ی ارتکاب جرایم اقتصادی در مدل رگرسیونی تنها دو متغیر ادراک فرد از میزان وجود فرصت ارتکاب جرم در محل کار و ادراک فرد از احتمال کشف جرم، قطعیت و شدت مجازات اثرگذار و تعیین کننده بوده اند چگونه قابل تفسیر است؟ به عبارت دیگر اینکه زندانیان جرایم اقتصادی قبل از دستگیری و محکومیت افرادی متدین بوده اند ولی دینداری آنان مانع از ارتکاب جرم اقتصادی توسط آنان نشده است با چه مفهوم یا نظریه ای قابل توضیح است؟

نتایج تحقیق حاضر برای مباحث مربوط به پیشگیری و بازدارندگی از جرایم اقتصادی نیز پیامدهایی بدنبال دارد. این پیامدها را در دو سطح خرد و کلان مطرح می کنیم. در سطح خرد نتایج تحقیق حاضر موید دو نظریه رقیب یعنی نظریه جامعه شناختی و نظریه اقتصادی

جرم می‌باشد. چرا که پس از آزمون فرضیه بازدارندگی کیفیت جامعه‌پذیری دینی (میزان قرار گرفتن در معرض پیام‌های دینی عوامل مختلف جامعه‌پذیری دینی) و میزان دینداری فردی و تعیین سهم و ارزش بازدارندگی آن دو متغیر در مقایسه با سایر عوامل بازدارنده، معلوم شد مدل‌های پیشگیری بیرونی بیش از مدل‌های پیشگیری درونی در تبیین متغیر وابسته یعنی ارتکاب یا عدم ارتکاب جرایم اقتصادی موثر واقع شده‌اند. در این تحقیق معلوم شد که قرار گرفتن در معرض پیام‌های دینی عوامل مختلف جامعه‌پذیری دینی و همچنین درجه دینداری افراد را از ارتکاب جرم بازداشت‌اشته است. البته این بدان معنا نیست که دینداری یا تربیت دینی اثر یا قدرت بازدارندگی خود را از دست داده است. چرا که قرائن و شواهد زیادی موجود است که نشان می‌دهد افراد حتی زمانی که بیشترین نیاز مادی و مالی را دارند حاضر نیستند پولی را که به آنها تعلق ندارد صاحب شوند. کم نیستند رفتگران نیازمند ولی قانع و وارسته‌ای که از سر دغدغه‌های دینی پولی را که در کوچه و خیابان یافته‌اند به صاحبش برمی‌گردانند. بنابراین فقط می‌توان گفت که عده‌ای از دین و دیانت نردبانی برای تحرک طبقاتی خود می‌سازند و هر وقت شرایط مهیا باشد فرصت طلبانه به اموال عمومی دست اندازی می‌کنند.

اینکه زندانیان جرایم اقتصادی مورد مطالعه در تحقیق حاضر قبل از دستگیری و محکومیت افرادی متدین بوده‌اند ولی دینداری آنان مانع از ارتکاب جرم اقتصادی توسط آنان نشده است به شکل دیگری نیز قابل تفسیر است و آن این است که افراد فاسد با ظاهرسازی ماهرانه‌ای خود را با نظام ارزشی مشترک در جامعه ایرانی پس از انقلاب اسلامی همراه و هم‌نوا نشان می‌دهند تا از این طریق خود را به صاحبان امضاء نزدیک کنند. آنان چون می‌دانند که نهاد دین در جامعه کنونی ایران از اولویت و اهمیت زیادی برخوردار است و نظام ارزشی مشترک عمدتاً حول این نهاد شکل گرفته است در نتیجه آنان خود را پای‌بند به این ارزش‌ها جلوه می‌دهند تا از منزلت بیشتر و در نهایت از پاداش‌های ثانویه مترتب بر این منزلت مثل ثروت بهره‌مند شوند. نگارنده این تفسیر را بر اساس نظریه قشربندی اجتماعی تالکوت پارسنز مطرح می‌کند. هارولد کربو در کتاب قشربندی اجتماعی و نابرابری ایده‌های پارسنز در این زمینه را اینگونه خلاصه کرده است: (۱) جایگاه یک فرد در نظام قشربندی

تحت تاثیر ارزیابی اخلاقی دیگران از اوست. (۲) این ارزیابی اخلاقی بر اساس نظام ارزشی مشترک صورت می گیرد. (۳) نظام ارزشی مشترک از سوی نهادی که در یک جامعه مورد تاکید قرار گرفته است تعیین می شود (این تاکید نهادی خود ناشی از مقتضیات تاریخی و محیطی خاص آن جامعه است). (۴) بنابراین افرادی که بیش از دیگران خود را با این ارزش ها یا ایده ها وفق دهند علاوه بر دریافت منزلت بالا از سایر مزایا مثل درآمد بالا و ثروت نیز برخوردار می شوند (Kerbo, ۲۰۰۳: ۱۲۲). بر این اساس، کربو نظام ارزشی مشترک در سه کشور آمریکا، چین و ایران بعد از انقلاب را به ترتیب مورد تاکید نهادهای اقتصادی، سیاسی و دینی می داند. بنابراین کسانی که التزام خود را به ایده آل های اقتصادی، سیاسی و دینی متناظر با این نهادها نشان دهند از منزلت بیشتر، رشد و ارتقاء در ساختار شغلی و مزایای ثانویه ثروت و درآمد بالا برخوردار می شوند. (Ibid).

در تحقیق حاضر مشخص شد که رابطه بین دو متغیر مستقل (عوامل مختلف جامعه پذیری دینی و درجه دینداری) و متغیر وابسته (ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم) پس از افزودن کنترل های سکولار (مثلا ادراک فرد از احتمال کشف جرم و شدت مجازات، درجه لذت جویی، درجه خودشیفتگی، درجه کنترل نفس، ادراک فرد از وجود فرصت ارتکاب جرم در محیط کار، میزان ترس از سرافکنندگی نزد خانواده و دیگران بدلیل مشکلات مالی، میزان طمع ورزی و دلیل تراشی برای ارتکاب جرم) به مدل تحلیلی تحقیق پایدار باقی نمی ماند. حال سوال این است که چرا چنین است؟ چرا با وجود مذموم بودن فساد در نظام اعتقادی و اخلاقی جامعه کنونی ایرانی و علیرغم دینداری کنشگران سیاسی و اقتصادی در کشور نرخ شیوع انواع جرایم اقتصادی در میان آنان بالاست؟ به نظر می رسد دو پاسخ متفاوت ولی مرتبط به هم به این سوال می توان داد. یکی به اقتصاد سیاسی فساد در کشور مربوط می شود و دیگری به روند عرفی شدن در سطح فردی. شواهد حاکی از آن است که نوعی عرفی شدن حیات اقتصادی یا به تعبیری دیگر جدایی بین حوزه دینداری از حوزه فعالیت های اقتصادی در جامعه ایران در حال وقوع است. کاظمی و فرجی به خوبی این جدایی را توضیح داده اند:

"به لحاظ نهادی، افراد تا اندازه ای از نهادهای دینی اظهار استقلال می کنند. بالاخص

سلايق سياسى و اجتماعى خود را موکول به صدور احکام نهادهای دينى نمى کنند. در اين حوزه ها که قلمرو کنش های عقلانى است افراد بر اساس محاسبات عقلانى خود عمل مى کنند. به اين معنا ما در سطح فردى عرفى شده ايم اما در همين سطح هم عرفى شدن مسير کندی را طى مى کنند. در سطح نمادهای دينى مى توانيم بگوئيم که جامعه ما عرفى نشده است و حتى تا اندازه زيادى دينى است. ... افراد در عرصه اقتصاد و سياست بر اساس محاسبات عقلانى و سود شخصى کنش مى کنند. کنش استراتژيک در پى به حد اکثر رساندن سود در عرصه اقتصاد و به حداکثر رساندن سلطه و قدرت در عرصه سياست است. اما کنش دينى نوعى کنش ارتباطى است که از سر مفاهيمه، عشق، عاطفه، حس حقيقت جويى و درک معنادارى صورت مى گيرد. ... ما عموماً از ديندارانى که عمل دينى انجام مى دهند (صدقه دادن، نماز جماعت گزاردن، ظاهر دينى داشتن) انتظار داريم که کنش های زباني و عملى آنها بر اساس نيات منفعت طلبانه يا سود شخصى يا قدرت طلبى نباشد. چرا که دينداران با خدا معامله مى کنند نه با حاکمان اين دنيايى. به اين معنا افراد قاعدتاً بايد بين کنش های عقلانى - ابزاری با کنش های عقلانى - ارزشى خود تفکيک قائل شوند. کنش های افراد اگر چه در سطح استراتژيک کاملاً عرفى مى شوند اما اين به معنای غير ديندار شدن افراد نيست. فرد سرمايه دارى که در تعاملات اقتصادى خود عقلانى و حسابگرانه عمل مى کند اما در عين حال صدقه مى دهد يا سالانه براى برنامه های مذهبى هزينه مى کند، نمونه اى از اين موارد است. ... وضعيت عرفى شدن در جامعه ما با ساير جوامع، بالاخص جوامع غربى متفاوت است. ... عرفى شدن در جامعه ما به معنای عقلانى شدن، تخصصى شدن و تمايزيائى ساختى - کارکردى، ديوانسالارانه شدن و خود مختارى خرده سيستم های جامعه از دين است « (کاظمى و فرجى، ۱۳۸۲: ۲۶۳ و ۲۶۵).

در همين سطح تحليل خرد، نتايج تحقيق حاضر مويد دو نظريه جامعه شناختى و نظريه اقتصادى جرم مى باشد. فرصت ارتکاب جرم که در نظريه جامعه شناختى ساترلند مورد تاکيد واقع شده است يکى از مولفه های اصلى نظريه جامعه شناختى جرم است. به زعم ساترلند رفتار مجرمانه رفتارى فراگرفتنى است. چنين رفتارى در محيط هاى رخ مى دهد که انجام رفتار مجرمانه بيش از احترام و عمل به قانون، مفيد پنداشته مى شود. (Sutherland, ۱۹۴۹).

برای آنکه جرمی به وقوع بپیوندد یک وضعیت یا فرصت لازم است. وضعیت ها و فرصتهایی از این نوع به نحوه سازمان دهی زندگی کاری و تجاری مربوط می شود. عملکرد نظام های نظارتی هم نقش مهمی در پدید آمدن یا نیامدن این فرصت ها ایفا می کنند. مثلاً پدیده فرار از مالیات را می توان با سطح فرصت های موجود برای طفره رفتن از پرداخت مالیات تبیین کرد. وقتی چنین فرصت هایی به خاطر اعمال تدابیر لازم کاهش یابد میزان فرار از مالیات هم کاهش می یابد. کلمن با توجه به وجود فرهنگ رقابتی در جامعه مدرن استدلال می کند که روند جرم در حوزه تخلفات و جرائم اقتصادی عمدتاً نتیجه پیدایش فرصتهای جذاب برای ارتکاب جرم است تا تفاوت بین افراد در سطح انگیزش (Coleman, ۲۰۰۱).

بعلاوه نتایج تحقیق حاضر موید اهمیت یکی دیگر از بازدارنده های بیرونی است. بازدارنده های بیرونی بر یک نظریه کلاسیک جرم شناسانه بنا شده اند که بر مبنای آن مجازات های شدید یا ناخوشایند افراد را از ارتکاب جرم باز می دارند. مدل پیشگیری وضعی از جرم چنین استدلال می کند که نرخ بروز جرم تابع هزینه و فایده ادراک شده از سوی مجرم و درجه عقلانی جلوه دادن آن است. به منظور افزایش هزینه ادراک شده، باید تلاش ادراک شده برای ارتکاب جرم را افزایش داد، ریسک یا مخاطرات ادراک شده و یا احتمال دستگیر شدن را بالا برد. به منظور تقلیل مزایای ادراک شده، باید پاداش های مورد انتظار مترتب بر ارتکاب جرم را کاهش داد. در مجموع هزینه ها و فایده های ادراک شده به فایده خالص ادراک شده از سوی مجرم منجر می شود که این خود بر احتمال وقوع عمل مجرمانه اثر می گذارد. رابطه بین فواید خالص و احتمال کنش مجرمانه تحت تأثیر توانایی مجرم در عقلانی پنداشتن رفتار مجرمانه است. نکته مهم در نظریه پیشگیری محیطی از جرم این است که تصمیم شبه عقلانی مجرم تابع مزایا یا منافع خالص ادراک شده است. اگر تدابیر و اقدامات پیشگیری از جرم هزینه های ادراک شده را افزایش ندهد و مزایای ادراک شده را کاهش ندهد بر طبق نظریه انتخاب عقلانی، جرم رخ خواهد داد. اما اگر این اقدامات و تدابیر پیشگیرانه بتواند هزینه ادراک شده را بالا ببرد و مزایا و منافع ادراک شده را تقلیل دهد در این صورت منافع خالص ادراک شده از سوی مجرم کاهش می یابد و در نتیجه فرد از ارتکاب جرم خودداری می کند (Beebe & Rao, ۲۰۰۵: ۱۳).

با این حال، ادراک افراد از احتمال دستگیری و همچنین ادراک آنان از فرصت‌های ارتکاب جرم در خلا شکل نمی‌گیرد و قطعاً دارای زمینه‌های نهادی در جامعه است. به عبارت دیگر دو عامل فوق‌الذکر خود تحت تأثیر زمینه‌های سیستمی فساد هستند جایی که عوامل کلان یا ساختاری، شرایط و زمینه‌های ارتکاب فساد را فراهم می‌کنند. آنچه که در سطح تحلیل خرد بدان‌ها پرداخته ایم صرفاً برآیند یا بازتابی از وضعیت فعلی نهادهای حقوقی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کشور و عملکرد آنها محسوب می‌شود. یافته‌های تحقیق در سطح خرد ما را به نظریه دیگری در سطح کلان رهنمون می‌سازند و آن نظریه انتخاب عمومی است. این نظریه از سوی جیمز بوچانان و گوردون تولاک (۱۹۶۲) و آنتونی داونز (۱۹۵۷) و ویلیام نیسکانن (۱۹۷۱) ترویج شده است.

این نظریه هم‌توانایی تبیین تئوریک فساد را دارد و هم از دل آن می‌توان تجویزها و توصیه‌هایی راهگشا استخراج کرد. راهکارهای پیشنهادی بر اساس نظریه انتخاب عمومی برای مبارزه با فساد جنبه پیشگیرانه دارد و اگر برنامه ملی مبارزه با فساد بر اساس این نظریه تدوین شود از شکل‌گیری انگیزه رانت‌جویی و رفتارهای فرصت‌طلبانه پیشگیری خواهد شد. بنابراین صرف برخورد قاطع و قهر آمیز با مفسدان اقتصادی کافی نیست. از بین بردن فرصت‌های پیدایش فساد نیز باید در دستور کار نهادهای ذیربط قرار گیرد. به عبارت دیگر فساد، سیستمی عمل می‌کند و ناشی از مشکلات ساختاری است و به جای تعقیب افراد که به جای خود مهم است تغییر نظام‌های اداری باید در اولویت دستگاه‌های مبارزه با فساد قرار گیرد. فساد مساله‌ای مرتبط با قواعد است. برنان و بوچانان استدلال کرده‌اند که قواعد، ماهیت تعامل افراد در جامعه را تعیین می‌کنند، ابزار لازم برای حل اختلافات از طرق مسالمت‌آمیز را فراهم می‌کنند، اطلاعات لازم را به مشارکت‌کنندگان در بازار ارائه می‌کنند و امکان پیش‌بینی رفتار دیگران را به ما می‌دهند، و امکان کنترل رفتار افراد و گروه‌های مختلف را فراهم می‌کنند. از آنجایی که قواعد، ساختار محرک‌ها و انگیزه‌های اهالی بازار را تعیین می‌کنند لذا هر تلاشی برای مبارزه با فساد و سایر اشکال فرصت‌طلبی (مثل رانت‌جویی) باید از اصلاح قواعد شروع شود به نحوی که اقتصاد با قواعد جدیدی اداره شود و جلوی رفتارهای فرصت‌طلبانه را بگیرد. (Brennan and Buchanan, ۱۹۸۵)

از این گذشته لازم است در کنار تلاش هایی که برای کشف جرم صورت می گیرد به این موضوع هم توجه شود که ممانعت از وقوع جرم مقدم بر کشف جرم و مجازات مجرم است. به عبارت دیگر برای پیشگیری از جرم باید از طریق تدابیر محیطی و حمایتی (یعنی عوامل وضعیتی) بر فرآیند تصمیم گیری مجرم اثر گذاشت به نحوی که هم بتوان بر امکان عملی بروز رفتار مجرمانه و هم بر انگیزه رفتار مجرمانه اثر گذاشت. در غیر این صورت فساد در زمینه مستعد آن مستمرا باز تولید خواهد شد.

منابع

- پویافر، محمد و سیدحسین سراج زاده (۱۳۸۸) سنجش دینداری با استفاده از رهیافت بومی. فصلنامه تحقیقات علوم اجتماعی. سال اول شماره ۲. بهار.
- دادخدایی، لیلا (۱۳۸۹) مفهوم جرم اقتصادی و تحولات آن، تعالی حقوق، سال دوم، شماره ۶، مرداد و شهریور. صص: ۴۵-۶۹.
- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۴) مدلی برای سنجش دینداری در ایران، مجله جامعه شناسی ایران، دوره ششم شماره ۱، صص: ۶۶-۳۴.
- وریج کاظمی، عباس و فرجی، مهدی (۱۳۸۲) عرفی شدن و زندگی روزمره. نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۱، مهر، صص: ۲۶۹-۲۴۳.
- معاونت آموزش قوه قضائیه (۱۳۸۷) سیاست جنایی - تقنینی ایران در جرایم اقتصادی، تهران: انتشارات جاودانه.
- مومنی، فرشاد (۱۳۹۲) قفل فساد را کلید شفافیت باز می کند. ماهنامه سیاسی- فرهنگی نسیم بیداری، سال چهارم، شماره ۳۵، صص: ۷۹-۸۳.
- Becker, Gary S. (1968) Crime and Punishment: An economic Approach. Journal of political economy, Vol.76, No. 2, pp.169-217.
- Beebe, Nicole lang, & Rao,V.srinivasan (2005) using situational; crime

prevention theory to explain the effectiveness of information systems security, proceedings of the 2005 softwars conference, Lasvegas,NV,Dec.2005.

Blickle, Gerhard; Schlegel, Alexander; Fassbender, Pantaleon; and Klein, Uwe (2006) Some personality correlates of business white-collar crime, *Applied psychology: An international review*, Vol. 55 (2), pp: 220-233.

Brennan, Geoffrey, and Buchanan, James M. (1985) *The reason of rules: constitutional political economy*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.

Bryman, A. and Cramer, D. (1990) *Quantitative data analysis for social scientists*. UK: Routledge.

Buchanan, James M. and Tullock, Gordon (1965) *The calculus of consent: Logical Foundations of Constitutional Democracy*, The university of Michigan Press.

Chavez, Mark (2010) Rain dances in the dry season: Overcoming the religious congruence fallacy, *Journal for the scientific study of religion*, Vol. 49, No. 1, pp. 1-14.

Clark, Ronald. V. (1980) Situational crime prevention: Theory, and practice, *British Journal of Criminology*, 20, pp.136-147.

Coleman, James William (2001) The causes of white-collar crime and the validity of explanation in the social sciences, In Lindgren, Sven-Ake (ed) *White-collar crime research, old views and future potentials: lectures and papers from a Scandinavian seminar*. National Council for crime prevention, Sweden. Pp. 55-68.

Collins, J.M, and Schmidt, F.L. (1993) Personality, integrity, and white-collar crime: A construct validity study. *Personnel Psychology*, 46, pp. 295-311.

Cornish, D., & Clarke, R. (1987). Understanding crime displacement: An application of rational choice theory. *Criminology*, 25(4), 933-947.

Dane, Francis c. (2011) *Evaluating research: Methodology for people who*

need to read research, UK: sage Publications.

-Downes, Anthony (1957) *An economic theory of democracy*, New York: Harper and Brothers

Gottfredson, Michael R. and Hirschi, Travis (1990) *A general theory of crime*. Stanford: Stanford University Press.

Harris, Mark A. (2003). Religiosity and perceived future ascetic deviance and delinquency among Mormon adolescents: Testing the ‘this-worldly’ supernatural sanction thesis. *Sociological Inquiry* 73(1), 28-51.

Hirschi, Travis, and Stark, Rodney (1969) Hellfire and delinquency. *Social Problems*, No. 17, pp. 202-213.

H’madoun, Maryam (2011) *Afraid of god or afraid of man: how religion shapes attitudes toward free riding and fraud*, Department of Economics, University of Antwerp. Antwerp, Belgium.

Montinola, Gabriella R. and Jackman, Robert W. (2002) Sources of Corruption: A Cross-Country Study, *British Journal of Political Science*, Vol. 32, No. 1 (Jan., 2002), pp. 147-170.

Nelken, D. (1997) “White-Collar Crime”, in M. Maguire, R. Morgan, R. Reiner (eds), *The Oxford Handbook of Criminology*, Clarendon Press, Oxford, pp. 898-890.

-Niskanen, William A. (1971) *Bureacracy and representative government*: Chicago & New York: Aldine-Atherton, Inc.

Savona, E.U. (1998) “Economic Crime in Europe. Analysis of the Interdependencies among Fraud , Money Laundering and Corruption”, paper presented at the International Conference on Economic Crime in Europe. Interdependencies among Fraud, Money Laundering and Corruption. Analysis and Responses, Trento (Italy), 22-23 October.

————— | بررسی تطبیقی تاثیر بازدارنده های دینی و غیر دینی بر وقوع جرائم اقتصادی | ۱۹۵ |

Sherkat, Darren and Ellison, Christopher G. (1999) Recent developments and current controversies in the sociology of religion, *Annual Review of Sociology*, Vol. 25, pp. 363-394.

Sutherland, Edwin H. (1949) *White Collar Crime*, New York: Holt, Rinehart & Winston.

Abstract

A comparative research on the deterring effects of the religious and non-religious factors on economic crimes: comparing Evin prisoners with their non-criminal counterparts

Mahmood Shahabi

Associate professor, Sociology Department, Allameh Tabatabai' University

Mshahabi88@gmail.com

While corruption occurs in many countries it has increased substantially in Iran in recent years. In this paper the results of the first cross-sectional study in Iran examining different correlates of white-collar crime both in private and public sectors are presented. Theoretically, the present paper is framed in competing or alternative theories of white-collar crimes including Hirschi & Stark's theory of the fear of hell's fire, Collins and Schmidt's theory of personality correlates of white-collar crimes, James William Coleman's sociological theory of corruption, and finally Cornish and Clark's economic theory of white-collar crimes. In a higher level of analysis, the present paper is relied on public choice theory, which attributes the phenomenon to a lack of competition in either or both economic and political arenas. According to this theory, all else equal, greater intervention in terms of size and scope of government increases the supply of rents, and correspondingly, corrupt behavior. The data were obtained in the spring 2012 from

120 managers currently active in Iranian corporations and official departments and also 120 white-collar criminals who formerly held such positions and currently incarcerated in prisons. Participants filled out paper and pencil scales measuring some personality correlates of white-collar crimes (hedonism, narcissism, lack of behavioral self-control), motives (dealing with the crisis threatening the criminal, the family, or the company), level of religious socialization through interpersonal communication (via orientation family, close friends, schools, and community), level of religious socialization through the media (religious programs broadcast from the national radio and television broadcasting organization, books, movies and CDs), level of the individual's religiosity, individual's perception of the probability of being arrested, individual's perception of the levels of criminal opportunity, and some demographic variables such as socio-economic status, age, education level. The logistic regression analysis accounted for 75 per cent of the variance between the two groups. White-collar crime in Iran is predicted by individual's perceived risk (probability) of being caught, and individual's perception of the levels of criminal opportunity. In sum, sociological and economic approaches and consequently institutionalist approach (and not culturalist approach) do discriminate between white-collar offenders and non-offenders.

Keywords: white-collar crimes, religious socialization, religiosity, public choice theory.